

بررسی وضعیت طنز مکتوب و شفاهی در فرهنگ مردم جنوب استان کرمان

ژیلا کاکاپور

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی کهنوج

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی

سرشناسه : کاکاپور، ژيلا
عنوان و نام پديدآور : بررسی وضعیت طنز مکتوب و شفاهی در فرهنگ مردم
جنوب استان کرمان/ژيلا کاکاپور
مشخصات نشر : کرمان: انتشارات فرهنگ عامه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهري : ۹۶ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۸۹۸-۰-۳
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
يادداشت: کتابنامه: ص. ۹۵ - ۹۶.
موضوع طنز فارسی -- ایران -- کرمان -- تاريخ و نقد
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ب۴ ک۲/۸۷۵۲ PIR
رده بندی ديویی : ۷/۶۲۰۸۸
شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۹۳۶۴۲

فرهنگ عامه

تلفکس کرمان: ۰۳۴۱ ۲۴۴۲۰۳۴
همراه: ۰۹۱۳۹۳۹۸۷۳۳
farhange_ame@yahoo.com
دفتر تهران: خیابان استاد نجات‌اللهی - جنب دانشگاه پیام‌نور - کوچه
اعتمادمقدم - پلاک ۱۰

بررسی وضعیت طنز مکتوب و شفاهی در فرهنگ مردم جنوب استان کرمان
ژيلا کاکاپور
چاپ اول: ۱۳۹۲
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
امور گرافیک و جلد: محمد ترکاشوند

فهرست

۷		سخن آغازین
۹		مقدمه
۱۵		کمدی و انواع آن
۱۹		طنز در فرهنگ مردم جنوب استان کرمان
۲۱		پیشینه طنز در جنوب استان کرمان
۲۵		انواع طنز در جنوب استان کرمان
۲۵		طنز شفاهی
۳۲		طنز مکتوب
۹۰		کلام پایانی
۹۱		نمایه واژه
۹۴		منابع

مصحح اعجازی

اتفاق خوش آید چاپ کتاب، تمام خستگی های ناشی از پژوهش را می تکاند؛ خاصه اینکه قرار باشد سرانجام نوشته هایت ایجاد خنده ای هوشیارانه بر لب مخاطبانت باشد.

موضوع بررسی طنز مکتوب و شفاهی در فرهنگ مردم جنوب استان کرمان، در واقع اثبات حضور طنزپردازانی است که در طول دوره های زمانی گوناگون از گذشته تاکنون وجود داشته اند و بنا به دلایل تاریخی و جغرافیایی حاکم بر منطقه، تعدادشان کم نبوده است. مبین برجستگی طنز هم از جهت کمی و هم کیفی، حضور در رقابت های فرهنگی، هنری، جشنواره ها، همایش ها و کسب مقام های برتر طنزپردازان این اهالی بوده است. با وجود این ظرفیت در حوزه ی طنز و پیشینه تاریخی سرزمین کرانه ی هلیل رود، نیاز جامعه امروز می طلبد تا با ایجاد خودباوری هر چه بیشتر در مردم این منطقه ی پهناور از سرزمینمان، به جنگ کژی ها و ناراستی های موجود که هدف اصلی نوع ادبی طنز است، رفت. با همین دیدگاه پرداختن به چنین مقوله ای

و پژوهش در این زمینه، ضروری به نظر می‌رسید.

امید است این چشم‌انداز که پرداختن و توجه به طنز از سوی نویسندگان، گویندگان و مخاطبان خاصه با گویش محلی، کارسازترین و کارآمدترین وسیله برای آگاهی و تعالی است، بیش از همیشه مورد حمایت و عنایت قرار گیرد.

و اما سپاس می‌گویم همراهی همسر فرهیخته‌ام، آقای حسین سبزه‌صادقی، که در طول نگارش کتاب لحظه‌ای از راهنمایی‌شان بی‌ بهره نبودم؛ و البته از همه عزیزانی که به گونه‌ای پذیرای رحمت‌م بودند.

مقدمه

مولوی دردیوان عظیم شمس با همه ی شوریدگی عارفانه و اعراض و بی توجهی اش به دنیا، در برخورد با ناهنجاری ها و معضلات اجتماعی زمان خود سخن را به اوج می رساند و بی پرده و با صراحت، دردهای موجود را گوشزد می کند. در بررسی آثار همه ی شعرای گذشته (کلاسیک) به جز تعداد انگشت شماری، به ابیات، جملات و کلماتی از این دست بر می خوریم که با وجود بغز بودنشان، نشانی از بی نزاکتی نیز در آن ها به چشم می خورد.

بدون شک به کارگیری این گونه الفاظ و واژگان در تاثیر گذاری وضعیت موجود کار ساز تر خواهد بود و بدان می ماند که برای نشان دادن درد هوار بکشی و فریاد بزنی؛ چون فریاد، آن درد را بهتر و بیشتر می فهماند و درمان آن مؤثرتر خواهد افتاد.

دراثبات این ادعا می توان به وجود ضرب المثل های رایج بعضی

اقوام اشاره کرد که در مقایسه با مثل هایی با مضامین مشابه در قومی دیگر، رک تر و بی پرده تر هستند و این تنها برای نمایاندن و نشان دادن عمق فاجعه و ارسال آسان تر آن به مخاطب است؛ زیرا در تادیب یا تنبیه، استفاده از مثل های بی پرده از آن جا که عمق موضوع را بیشتر می نمایاند، نفوذ بیشتری خواهد داشت؛ به قولی: «خرابی چو از حد بگذرد آباد گردد»

با توجه به این نظر، نشان دادن فضیحت ها، زشتی ها و پلشتی ها با بزرگ نمایی کلامی در انواع ادبی به ویژه نظم، در رفع یا اصلاح آن ها، بدون شک تاثیر گذارترین روش خواهد بود.

در تقسیم بندی که امروز در انواع ادبی صورت گرفته، این بی پردگی لفظ را در تعریف هجو می دانند و طنز را کلامی عقیف. پس با این شناخت واژه طنز در ادبیات ما یک نوع ادبی تازه مولود بوده که محصول دوره مشروطه است؛ اما صحت این نظر بعید به نظر می رسد زیرا در کندوکاو و بررسی کتب و دیوان های کلاسیک و همچنین با تعاریف خاص امروزی که از هجو و طنز وجود دارد، نمی توان وجود طنز را به طور کلی در آن آثار انکار کرد. نام عبیدزاکانی کافی است تا در این زمینه تصویر روشنی از گذشته طنز، به ذهن القا کند.

«با این اوصاف طنز در فرهنگ و تمدن ایرانی جایگاه و رونق فراوانی دارد چه با شکوه ترین حضور طنز، صد سال اخیر بوده و بیشترین آثار در این دوره پدید آمده است که ارزش بسیاری نسبت به گذشته دارد و سزاوار است که ادعا نمود ایرانی بالفطره طنز پرداز بوده و طنز از ارزش های فرهنگی اوست و نسبت به مردم دیگر کشورها

چیزی کم ندارد و در این حوزه اندیشه از گذشته تا حال، سرشار از گنجینه های فرهنگی و ارزشی است» (مرتضی نجفیان، ۱۳۷۰: ۷۸۹) کالبد نخستین و ابتدایی طنز را می توان در احوال، کردار، رفتار و گفتار عادی و معمولی مردم جستجو کنیم. از آغاز آفرینش تاکنون به اندازه قدمت وسعت تاریخ تفکر انسانی بی تردید طنز عادی و معمولی به عنوان پدیده ای روزمره رخ داده، وجود داشته، دارد و خواهد داشت. مردمان ایران زمین بالفطره مردمانی ظریف گو و شوخ طبع بوده و خندیدن و شاد بودن جزء جدایی ناپذیر شخصیت آنهاست. استاد محمدعلی جمال زاده در این زمینه می گوید: «ایرانی فکاهی طبع خلق شده است و تمام خارجیانی که ما را از نزدیک شناخته اند تصدیق نموده اند که صحبت با ایرانیان دلپذیر و خوشمزه است و سرتاسر مشحون از نکات و لطایفی که به دل می نشیند و فراموش نمی گردد و بهای مخصوصی دارد و می توان آویزه گوش و هوش قرار داد» (فرجیان، ۱۳۷۰: ۷۹۰)

طنز از آن دسته سخنانی است که نکته ها و لطیفه ها در آن نهفته است و فرد طنز گو از کسانی که قوانین اخلاقی و اجتماعی را مراعات نمی کنند، بدین گونه انتقاد می کند.

طنز در تعریف خود همواره به عنوان یک سلاح انتقادی بر کژی ها، بدی ها و ناهنجاری های زمانه خود تاخته است. اما از دوره انقلاب مشروطه به بعد این جریان ادبی به شکلی فراگیر توسط رسانه ها در بین اقشار مردم رسوخ کرد و حربه ای شد تا ملت به ویژه اندیشمندان از این زبان تیز استفاده کنند، سخن بگویند و قلم

به دست بگیرند و نابرابری ها و مشکلات موجود را به دولت مردان و دست اندرکاران خرد و کلان، گوشزد نمایند. این جایگاه نوع ادبی روز به روز در مطبوعات و رسانه های عمومی مستحکم شد تا امروز که همه نشریات جنوب استان کرمان نیز در زمینه های مختلفی همچون جنگ با نبود تناسب های موجود در مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با قلم طنز به میدان آمده اند و هریک با ایجاد ستون یا ستون هایی با اسامی مستعار و اغلب با گویش محلی در این عرصه نقش ایفا می کنند تا هم بتوانند با چنگ انداختن به هویت و اصالت زبانی و فرهنگی (فولکلور) خود از اضمحلال آن جلوگیری نمایند و هم این که با اصلاح بعضی از ناراستی ها، با جامعه ای امروزمین همگام گردند.

این پژوهش ضمن بررسی وضعیت طنز شفاهی و مکتوب جنوب استان کرمان دو هدف زیر را نیز دنبال می کند:

۱- شناسایی و معرفی وضعیت طنز مکتوب در دو حوزه منظوم و منثور در فرهنگ مکتوب جنوب استان کرمان که در نشریات جای می گیرند و چهره هایی هم چون شماله، خنه وریج، نوک بایی، مریدک داخدا، پس خاله، ترن تیزک، دلاله، الکی خوش و ابوفرهاد در نشریاتی چون روزبار زمین، کمنزیل، گلدشت، عبور و مینو جهان، در ستون هایی دائمی به طنز پرداخته اند.

۲- شناسایی و معرفی وضعیت طنز شفاهی که از دیرباز تاکنون در دو حوزه جغرافیایی سردسیری و گرمسیری جنوب استان کرمان در این نوع ادبی حضور داشته که خود را در قالب های روایت (حاضر

جوابی)، شعر و کلام نشان داده است.

در نهایت این نوشتار تلاش می کند تا حد امکان در اثبات وجود طنز به طور جدی در این منطقه از گذشته تا کنون و توجه و علاقه مندی این مردم به طنز اعم از شفاهی و مکتوب، حق مطلب را ادا نماید.

ژیلا کاکاپور

www.ketab.ir